

## بررسی عوامل امنیت انسانی و اجتماعی در شهرستان عسلویه؛ پیامدها و راهکارها

سید علی نجات<sup>۱</sup>

### چکیده

امنیت انسانی اغلب در ادبیات مربوطه به عنوان یک تحول ویژه در مفاهیم سنتی امنیت معرفی می‌گردد. امنیت انسانی شرایطی را توصیف می‌کند که در آن بستر رفع نیازهای مادی و معنوی انسان به طور توأمان و دائمی فراهم آید. این رویکرد زمانی در دستور کار نهادها و افراد قرار گرفت که نگاه سنتی به امنیت نتوانست چالش‌های این حوزه را پاسخ‌گو باشد و به موازات گسترش تحولات جهانی، ناامنی‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی افزایش یافت. در کنار امنیت انسانی، امنیت اجتماعی نیز به عنوان یکی از شاخص‌های عمده پدیده امنیت جزء نیازهای اساسی انسان و فصل مشترک همه مشکلات انسان از بیماری روانی گرفته تا خودکشی، اعتیاد و بزهکاری است. بحث امنیت اجتماعی به خصوص در تأمین بهداشت اجتماعی و روانی و در کاهش آسیب‌های اجتماعی و همچنین در گسترش سلامت اجتماعی اهمیت بسیاری دارد. بنابراین آرامش، رفاه، رشد، شکوفایی انسان، بروز استعدادها و خلاقیت‌ها و نیل به تمام کمالات انسان در سایه امنیت از جمله امنیت اجتماعی حاصل خواهد شد. مقاله حاضر ضمن ارائه تعریفی جامع، منسجم و دقیق از دو مفهوم امنیت انسانی و امنیت اجتماعی به بررسی توصیفی وضعیت امنیت انسانی و اجتماعی در شهرستان عسلویه قبل و بعد از احداث تأسیسات صنعتی می‌پردازد؛ در پایان نیز پس از بررسی پیامدهای آن راهکارهایی نیز ارائه می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** امنیت انسانی، امنیت اجتماعی، اعتیاد، صنعت، عسلویه، محیط زیست.

#### مقدمه

در میان انواع شهرهای موجود، نوع خاصی از شهرها وجود دارد که با اصطلاحاتی نظیر شهرهای معدنی، صنعتی و استخراجی شناخته می‌شوند. این نوع شهرها به دلیل ماهیت خاص خود، از روند توسعه سریع‌تری در مقایسه با سایر مناطق برخوردارند (مختاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۲). در همین پیوند، شهرستان عسلویه را می‌توان نمونه‌ای از شهرهای کوچک‌اندام استخراجی دانست که در مدتی کوتاه و متأثر از فعالیت‌های مرتبط با استخراج، استحصال، پالایش و صدور انرژی گاز از منطقه‌ای روستایی و کمتر شناخته شده، به شهری ملی و فراملی تبدیل شده است.

به هر ترتیب، پروسه‌ی صنعتی شدن و پیشرفت‌های تکنولوژیکی در منطقه عسلویه مبنایی را برای گذار از یک جامعه کاملاً سنتی به یک جامعه صنعتی و شهری فراهم ساخته است. این نوع فرآیند انتقال تنوع وسیعی را در ابعاد زندگی اجتماعی بر جای گذاشته است. به تعبیر دیگر، توسعه صنعتی و ایجاد مراکز فرآوری گاز و انواع محصولات پتروشیمی از سال ۱۳۷۴ شمسی و پس از عملیات استخراج ذخائر عظیم گازی در منطقه پارس جنوبی آغاز و فعالیت‌های متعددی برای پیشبرد این پروژه و رسیدن به سطوح بالاتری از بهره برداری از منابع گاز تعریف شده است. سرمایه گذاری عظیم در محیط اجتماعی کاملاً روستایی منطقه عسلویه، مسائل عدیده‌ای که حاصل تعارض بین محیط اجتماعی توسعه نیافته و مظاهر صنعتی می‌باشد را به وجود آورده است (طالبیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۶). گرچه تغییرات صنعتی ظرفیت‌های تولیدی بزرگی را خلق نموده، اما از طرف دیگر اختلال‌های قابل توجهی را در بافت سنتی جامعه ایجاد کرده است. پیچیدگی و سرعت پروسه صنعتی شدن، مسائل اجتماعی متعددی را در بر داشته است از جمله اینکه شیوه‌های جا افتاده کنترل اجتماعی موجود توان و ظرفیت برخوردار با این گونه مسائل را ندارد. کار سخت و طاقت فرسا، محرومیت، فقر و عدم امنیت شغلی، گسستگی و تضعیف هنجارهای اجتماعی، کاهش کنترل‌های اجتماعی منجر به شکل‌گیری تضادهای فرهنگی گردیده که حاوی وسوسه‌های قوی برای درگیر شدن در فرصت‌های ضد اجتماعی و ضد اخلاقی است (صادقی، ۱۳۸۵: ۱۲۰). در حقیقت، تمرکز سرمایه و ایجاد فرصت‌های شغلی، به تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و خدماتی در آن منجر شده است. علاوه بر آن با ورود صنعت نفت و گاز، آسیب‌های فراوانی در سطوح مختلف زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی در منطقه عسلویه پدید آمده است و در اکثر زمینه‌ها، این منطقه با معضلاتی فراوان روبروست. در همین راستا نوشتار حاضر سعی دارد ضمن ارائه تعریف جامع و منسجم از مفاهیم امنیت به بررسی توصیفی وضعیت امنیت انسانی و امنیت اجتماعی در شهرستان عسلویه قبل و بعد از احداث تأسیسات

صنعتی بپردازد؛ در پایان نیز پس از بررسی پیامدهای آن راهکارهایی نیز ارائه می‌گردد.

## ۱- مفاهیم امنیت؛ امنیت انسانی و امنیت اجتماعی

### ۱-۱- تعریف امنیت

امنیت از ریشه لاتین (securus) گرفته شده است که از نظر لغوی به معنای «نداشتن دلهره و دغدغه» است. واژه امنیت در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. فرهنگ آکسفورد این واژه را با عبارات زیر تعریف کرده است: «شرایطی که در آن «یک موجود» در معرض خطر نبود یا از خطر محافظت شود» در لغت‌نامه دهخدا در مقابل کلمه امنیت، «بی‌خوف، بی‌بیمی، امن، ایمنی، ایمن شدن» آمده است. در لغت‌نامه عمید نیز واژه امنیت، «در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی» معنی شده است. با ذکر موارد فوق در خصوص مفهوم لغوی امنیت، اکنون می‌توان امنیت را احساس رهایی از تشویش، اضطراب، ترس و یا احساس آرامش و اطمینان خاطر دانست (رفیعی و همکاران، ۱۳: ۳۵۰). ساده‌ترین تعریف امنیت نبود ناامنی و تهدید است. در حقیقت مفهوم امنیت با خطراتی که یک کشور را تهدید می‌کند، عجین است. معنای ضمنی مفاهیم «امنیت» و «ناامنی» در بافت‌های مختلف نسبی است. برای برخی افراد ناامنی بدین معنا است که ناگهان دریابند تضمینی برای شغل، خدمات بهداشتی، رفاه اجتماعی، آموزش و غیره ندارند. برای برخی دیگر ناامنی ریشه در نقض حقوق بشر، افراط‌گرایی، خشونت داخلی، گسترش مناقشات، آوارگی و غیره دارد. بنابراین برای اینکه مفهوم امنیت قابل درک باشد باید به صورت تجربه ذهنی در سطح خرد و بر اساس تجربیات روزمره مردم تعریف شود. اگر بخواهیم به زبان ساده امنیت را تعریف کنیم، می‌توانیم بگوییم امنیت یعنی «استفاده بهینه از فرصت‌ها برای رفع تهدیدها» از این تعاریف می‌توان استنباط کرد که امنیت از دو عنصر اساسی تهدید و فرصت سرچشمه می‌گیرد. بنابراین تحقق و گسترش امنیت از یک سو منوط به مقابله با تهدیدها و از سوی دیگر پیامد بهره‌گیری از فرصت‌ها است. در همین راستا، مؤسسات و نهادهای دولتی و مردمی با توجه به ماهیت خود می‌توانند به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر این دو عنصر یعنی مبارزه با تهدیدات و بهره‌گیری از فرصت‌ها تأثیرگذار باشند.

### ۱-۲- تعریف امنیت انسانی

امروزه امنیت انسانی به عنوان یکی از دغدغه‌های جهانی و بشری مطرح شده است که نظام‌های سیاسی و نهادهای حقوقی خواهان دستیابی و تحصیل امنیت در تمامی ابعاد آن هستند و در این مسیر، ادبیات مفهومی اندکی در خصوص امنیت انسانی وجود

دارد که بررسی مفهومی آن را به مثابه دغدغه‌ای جهانشمول مطرح می‌نماید. در سال ۱۹۹۴، اصطلاح امنیت انسانی از سوی «محبوب الحق»، دیپلمات پاکستانی در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل متحد با تأکید بر رهایی از نیاز و ترس به عنوان راه حل رفع ناامنی در جهان مطرح شد و پس از آن در سیاست خارجی برخی دولت‌ها مورد توجه قرار گرفت. برای مثال، در سال ۱۹۹۹ وزیران خارجه کشورهای گروه هشت اعلام کردند، مصمم هستند با علل اساسی تهدیدهای چند جانبه نسبت به امنیت انسانی به مبارزه برخیزند.

با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق و طرح مباحث جدید در زمینه امنیت‌پژوهی، ایده امنیت انسانی از پیوند دو حوزه توسعه و امنیت به وجود آمد. بنابراین امنیت انسانی در سال ۱۹۹۴ با انتشار گزارش سازمان ملل متحد در مورد برنامه توسعه، مورد توجه بیشتر کارشناسان سیاسی و اقتصادی قرار گرفت.

گزارش برنامه توسعه ملل متحد در سال ۱۹۹۴، امنیت انسانی را به صورت شرایط و وضعیتی تعریف می‌کند که در آن مردم از قید و بندها و فشارهای روحی و روانی که توسعه انسانی را محاصره کرده و در بند کشیده است، رها گردند (پائولین کر، ۱۳۸۷: ۶۰۱). در واقع، امنیت انسانی به این معنی است که افراد بتوانند انتخاب‌های خود را با ایمنی و آزادی تجربه کنند و به نسبت مطمئن باشند که فرصت‌هایی که آنان امروز دارند فردا کاملاً از دست نخواهند داد.

با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان چهار ویژگی امنیت انسانی را مشخص نمود:

۱) امنیت انسانی یک دغدغه جهانی است و به کل مردم دنیا اعم از غنی و فقیر مرتبط می‌شود؛

۲) مؤلفه‌های امنیت انسانی لازم و ملزوم یکدیگر هستند؛

۳) امنیت انسانی و مقابله با تهدیدات آن از طریق پیشگیری تنظیم می‌شود نه درمان پس از واقعه؛

۴) امنیت انسانی مردم محور است. و لذا با کیفیت زندگی، آداب و رسوم ارتباطی تنگاتنگ دارد (قصری و دوستدار، ۱۳۷۸: ۷۸).

تمرکز امنیت انسانی بر خطراتی است که افراد و جوامع را تهدید می‌کند. این خطرات می‌تواند بقای افراد را تهدید کند (سوء استفاده جسمی، خشونت، شکنجه و یا مرگ) و یا تهدیدی باشد برای معیشت وی (بیکاری، کمبود غذا، مشکلات بهداشتی و غیره) و یا کرامت را به خطر اندازد. بنابراین امنیت انسانی در معنای گسترده یعنی رهایی از نیازمندی، رهایی از ترس و زندگی سربلند است.

### ۱-۳- ابعاد و شاخص‌های امنیت انسانی

تعریف گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ برنامه ملل متحد از امنیت انسانی بیان می‌کند که دامنه امنیت جهانی باید به تهدیدات در هفت حوزه گسترش یابد. بنابراین در شاخص‌سازی برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) از هفت شاخص امنیت بحث می‌شود که عبارتند از:

۱) امنیت جامعه: هنگامی که جوامع به عنوان نوعی نظام حمایتی عمل کنند که در آن مجموعه‌های عام از ارزش‌ها و هویتها رفاه اعضاء جامعه را ارتقاء بخشد این نوع امنیت حاصل می‌شود. شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید می‌توان در نظر گرفت عبارتند از: تبعیض و تضاد قومی، نسل‌کشی و پاکسازی قومی، عدالت اجتماعی، آموزش، تعداد مدارس و نسبت دانش آموز به معلم، میزان سواد، نرخ بالا و پایین موالید و ...

۲) امنیت شخصی: با آسیب‌پذیری نسبت به خشونت‌های فیزیکی ناشی از جنگ و جرم، خشونت خانوادگی یا بیماری‌های روانی مرتبط می‌شود. گروه‌های خاص نظیر زنان و کودکان بیش از سایرین نسبت به امنیت شخصی آسیب پذیرند. شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید می‌توان در نظر گرفت عبارتند از: جرایم خشن، قاچاق مواد مخدر، خشونت و سوء استفاده از زنان و کودکان، آدم‌ربایی، کرامت انسانی و ... امروزه بیشتر قوانین اساسی بر مفهوم امنیت شخصی، آن هم در جنبه‌ی جسمانی در مقابل بازداشت خودسرانه تأکید دارند. اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنای نظری لازم را برای امنیت انسانی، به مثابه الگویی عام و جامع ارائه داده است. الگویی که شاخص‌های گوناگونی چون تضمین امنیت شخصی (امنیت جسمانی، مالی و معنوی)، حریم خصوصی (شامل مسکن و شغل)، امنیت حقوقی و امنیت قضایی (تضمین حقوق) را در بر می‌گیرد. بنابراین، تبیین مفهوم «امنیت انسانی» و شاخص‌های آن می‌تواند گام مؤثری در راستای تقویت حمایت از حقوق و آزادی‌های بنیادین به شمار رود.

۳) امنیت سیاسی: در این نوع امنیت احترام به حقوق اولیه انسانی را لازم می‌شمارد. به تعبیر دیگر حمایت در برابر نقض حقوق بشر. شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید این بعد می‌توان در نظر گرفت عبارتند از: احترام به حقوق اولیه، حقوق مشروع، قدرت مشروع، کاربرد غیر قانونی قدرت و ...

۴) امنیت اقتصادی: تأمین این نوع امنیت مستلزم نوعی درآمد پایه و مطمئن برای افراد

است که این درآمد عموماً از طریق انجام کارهای تولیدی مفید و درآمدزا و یا به عنوان آخرین راه حل از طریق شبکه‌های مطمئن اجتماعی حاصل شود. امنیت اقتصادی به رضایت فرد از درآمد ثابت خواه به واسطه اشتغال یا از طریق شبکه‌های ایمنی اجتماعی مربوط می‌شود. شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید این بعد می‌توان در نظر گرفت عبارتند از: نبود شغل مولد، بی‌ثباتی شغلی، نبود شبکه‌های ایمنی با تأمین مالی بخش عمومی، بیکاری دراز مدت، رضایت و اطمینان از درآمد، رشد اقتصادی مناسب، سیاست‌های رفاهی و ...

۵) امنیت غذایی: به دسترسی افراد به خوراک کافی و سالم به طور مستقیم یا به واسطه منابع، اشتغال یا درآمد مربوط می‌شود. شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید این بعد می‌توان در نظر گرفت عبارتند از: عدم برخورداری از خوراک، دسترسی ناکافی به منابع، فقدان توان خرید، خشکسالی و..

۶) امنیت بهداشتی: این قسم از امنیت به آزادی افراد از انواع بیماری‌ها و دسترسی آنان به مراقبت‌های سلامتی اشاره دارد. شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید این بعد می‌توان در نظر گرفت عبارتند از: بیماری‌های مسری و انگلی، بیماری‌های تهدیدکننده حیات، نبود آب آشامیدنی سالم، آلودگی هوا، عدم دسترسی به تسهیلات و مراقبت‌های سلامتی و...

۷) امنیت زیست‌محیطی: انسان‌ها برای آن‌که بتوانند به رشد مطلوب خود دست یابند، نیازمند محیطی کاملاً سالم هستند. به تعبیر دیگر امنیت زیست‌محیطی به یکپارچگی زمین، هوا و آب و تداوم حیات انسانی در کره زمین تاکید دارد. شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید این بعد می‌توان در نظر گرفت عبارتند از: کاهش دسترسی به آب، آلودگی آب، کاهش اراضی حاصل‌خیز، بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی، آلودگی هوا، بلایای طبیعی، تخریب محیط زیست و غیره.

امنیت انسانی به صورت یک واقعیت اجتماعی جزء سرمایه‌های اجتماعی هر جامعه‌ای است که انسان‌ها در سایه وجودی آن به گسترش ارتباطات و تعاملات اجتماعی و اقتصادی می‌پردازند. امنیت انسانی با مفهوم کلیدی توسعه انسانی، که همان کیفیت زندگی است؛ ارتباط دارد. هنگامی که امنیت انسانی در تمام ابعاد جامعه حاصل گردد؛ کیفیت زندگی انسانی که شامل کاهش فقر، دسترسی به تسهیلات رفاهی و زیر بنایی، افزایش اشتغال، گسترش آموزش و پرورش، افزایش عدالت اجتماعی، گسترش حقوق اقلیت‌ها و افزایش یکپارچگی و ... شکل می‌گیرد.

امنیت انسانی را نباید با توسعه انسانی یکسان انگاشت، توسعه انسانی به مفهوم گسترش دایره انتخاب انسانی است، در حالی که امنیت انسانی به این معنی است که افراد بتوانند انتخاب‌های خود را با ایمنی و آزادی تجربه کنند و به نسبت مطمئن باشند که فرصت‌هایی که آنان امروز دارند فردا کاملاً از دست نخواهند داد. با این حال باید تأکید کرد که پیشرفت در یک حوزه امکان پیشرفت در حوزه دیگر را تقویت می‌کند. همین‌طور شکست توسعه انسانی منجر به انباشت محرومیت، فقر انسانی، گرسنگی و بیماری می‌شود. بر این اساس در عصر حاضر مراقبت از امنیت انسانی و ارتقای ضریب ایمنی شهروندان در مقابل انواع تهدیدات مورد اشاره، به یکی از وظایف اصلی دولت و حکومت‌ها تبدیل شده است و آنان وظیفه دارند در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود امنیت انسانی را در اولویت قرار دهند.

#### ۱-۴- تعریف امنیت اجتماعی

از دیدگاه جامعه‌شناسی، امنیت انسانی و اجتماعی با نظم اجتماعی گره خورده است، امنیت اجتماعی در جامعه همان شرایط مطلوب و بهینه مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی شیوه زندگی افراد جامعه تلقی شده است؛ در جامعه‌ای که نظم و امنیت اجتماعی در آن حاکم نباشد و پیامدهای آنومی اجتماعی سراسر جامعه را فرا گرفته باشد، مسائل اجتماعی و انحرافات اجتماعی رشد می‌یابد و جامعه را به سمت اضمحلال و نابودی می‌کشاند.

ویور «امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادی خود، در شرایط تغییر و تهدیدهای عینی و احتمالی تعریف کرده و بر ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تأکید داشته و خاطر نشان می‌کند که جامعه، امنیت هویتی‌اش را طلب می‌کند.» (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۱۶).

از سوی دیگر باری بوزان در زمینه ضرورت امنیت اجتماعی در سطح جامعه بیان می‌کند که این پدیده را باید مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی دانست که بر مبنای آن، افراد خودشان را عضوی از یک گروه خاص اجتماعی تلقی می‌نمایند و به بیان دیگر ضرورت این پدیده اجتماعی در این است که این پدیده معطوف به بخشی از جنبه‌های زندگی شخصی است که هویت‌های گروهی را تنظیم می‌نماید (ترابی و همکار، ۱۳۸۳: ۴۱-۴۰). امنیت اجتماعی در سطح جوامع ناشی از استمرار وجود ارزش‌های فرهنگی چون (فرایند اجتماعی شدن، نظم، وفاق و همکاری اجتماعی و...) به حفظ حریم اجتماعی، رفع خطرات، استفاده بهینه از فرصت‌ها و ارتقاء سطح زندگی اجتماعی می‌پردازد.

امنیت اجتماعی همواره به عنوان یکی از نیازهای اساسی هر جامعه انسانی مطرح بوده

است، زیرا وجود این پدیده در سطح جوامع نظم و بقاء را به عنوان مهم‌ترین کارکرد اساسی خود به وجود می‌آورد. در واقع این پدیده از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین کار ویژه نهاد اجتماعی حکومت یا همان دولت می‌باشد؛ که مردم حق خود را در مورد دفاع از حریم عمومی و خصوصی، حفظ جامعه به نهاد اجتماعی حکومت تفویض می‌کنند، که این مسئله بر اساس دیدگاه نخبه‌گرایی بیانگر نقش بارز نهاد اجتماعی حاکمیت در تأمین امنیت در سطح جامعه بر عهده حکومت می‌باشد.

امنیت اجتماعی (جامعه ای) حلقه واسط بین امنیت فردی و امنیت ملی است، که در تلاش است با یک نگاه کلان و جامع، یکپارچگی و انسجام لازم را میان امنیت، شهروندان و حاکمیت بسترسازی کند. در واقع هدف آن است که امنیت را به مثابه فرایند اجتماعی مطرح سازد که بدون آن اساساً زندگی بی معنا و پر خطر می‌باشد. صرفاً در هنگام جنگ و هرج و مرج بحث امنیت و ایمنی بودن جامعه نباید محور امور قرار گیرد، بلکه در وضعیت اجماع عام و کلی و انسجام تام اجتماعی در سطح جامعه امنیت از بعد اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد (شربتیان، ۱۳۹۲).

امنیت اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های عمده پدیده امنیت جزء نیازهای اساسی انسان و فصل مشترک همه مشکلات انسان از بیماری روانی گرفته تا خودکشی، اعتیاد و بزهکاری است. بحث امنیت اجتماعی به خصوص در تأمین بهداشت اجتماعی و روانی و در کاهش آسیب‌های اجتماعی و روانی، همچنین در گسترش سلامت اجتماعی و روانی اهمیت بسیاری دارد. بنابراین آرامش، رفاه، رشد، شکوفایی انسان، بروز استعدادها و خلاقیت‌ها و نیل به تمام کمالات انسان در سایه امنیت از جمله امنیت اجتماعی حاصل خواهد شد.

بر این اساس نظام اجتماعی در هر جامعه‌ای برای اعمال کارکردهایش نیازمند امنیت اجتماعی است، زیرا شرایط جدید جوامع ناشی از رشد شهرنشینی، و گزشتافتی شدن روابط اجتماعی موجب این شده که همبستگی‌های اجتماعی، مشارکت‌های مدنی، سرمایه‌های اجتماعی روابط جمعی و... کاهش یابد و حیات جمعی به سمت فردی شدن و تضعیف کارکردهای نهادهای اجتماعی سوق یابد، و این مسائل باعث رشد آسیب‌های اجتماعی و بروز جرائم و انحرافات اجتماعی در حد وسیع و گسترده می‌گردد؛ از سوی دیگر کار ویژه‌ی نهادهای درون نظام اجتماعی در حال کم‌رنگ شدن و کاهش بوده است، به گونه‌ای که ابعاد مختلف امنیت با افزایش جرائم در وضعیت بحرانی شدید قرار گرفته است و فرصت‌ها و خلاقیت‌های شهروندان در حال امحاء بوده و این مسائل باعث شده که نگرانی‌های بسیاری در زمینه حیات جمعی جامعه افزایش یابد.

به هر ترتیب، مهم‌ترین ویژگی‌های امنیت اجتماعی عبارتند از: ۱. جامع بودن: یعنی



در هر حوزه‌ای از اداره امور جامعه می‌توان به بسط امنیت اجتماعی توجه کرد؛ ۲. تجزیه ناپذیری: فقدان امنیت اجتماعی یا هر نوع امنیتی در سطح داخلی و بین‌المللی باعث می‌شود که مسئله امنیت در جامعه صدمه ببیند؛ ۳. ذاتی بودن: در این ویژگی امنیت اجتماعی یعنی مصونیت و نیاز به مصونیت، علم مصونیت و مدافع آن می‌باشد؛ ۴. تمرکز بر عدالت: این مسئله مقدم بر همه امور در جامعه است هنگامی که عدالت بین شهروندان و حاکمیت پایدار باشد، باعث می‌شود امنیت اجتماعی با عدالت رابطه داشته باشد؛ ۵. ضریب همستگی امنیت با سایر شئون حیات اجتماعی انسان: امروزه در هر جامعه‌ای امنیت اجتماعی یا امنیت در هر بعدی می‌تواند با سایر امور همچون اقتصاد، سلامت، سیاست، دین، فرهنگ و... رابطه داشته باشد. در واقع هر چه ضریب ابعاد حیات اجتماعی جامعه بالاتر باشد، در واقع امنیت هم بیشتر ارتقاء می‌یابد (شربتیان، ۱۳۹۲).

## ۲- تشابه و تفاوت امنیت انسانی و امنیت اجتماعی

با توجه به آنچه که بیان شد در امنیت انسانی «اولاً تمهیدات پیشگیرانه و نیز اقدامات جبرانی مدنظر است، با این هدف که حیات آدمی در مقابل خطرات غیر مترقبه (مانند سیل، قحطی، طوفان و زلزله) و نیز در برابر اقدامات عمدی (مانند سیاستگذاری‌های بهداشتی، اقتصادی، زیست محیطی و...) محفوظ بماند. محور امنیت انسانی، نوع انسان است نه محیط. راه حل‌های مورد نیاز برای تدبیر مخاطرات هم بر دو دسته‌اند: بخشی از آن‌ها حالت مقطعی دارند و بعضی دیگر بلند مدت می‌باشند؛ ثانیاً امنیت انسانی صرفاً معطوف به لایه‌های ابتدایی و فیزیکی حیات آدمی نیست بلکه معطوف به هسته مرکزی و کانون زندگی بشری است. براین اساس هم نیازهای مادی مانند تأمین مسکن، بهداشت، و تغذیه مدنظر می‌باشند و هم امور والاتری مانند حفظ حرمت، استقلال، علو طبع، حق تعیین سرنوشت و مشارکت در زندگی اجتماعی. در پرتو این وجه از تعریف، تأمین امنیت، اقدامی رهایی بخش است. یعنی، افراد انسانی در پرتو امنیت انسانی، ضمن اینکه از خطر مرگ نجات می‌یابند، به صورتی مدنی و انسانی و توأم با احترام و آزادی ادامه حیات می‌دهند؛ ثالثاً در تعریف امنیت انسانی، بر تدارک امنیت برای همه افراد انسانی تأکید شده است. بر این اساس تعلقات دینی، قومی، جنسیتی، نژادی، و یا تفاوت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی در سیاستگذاری‌ها دخیل نیستند. بدیهی است تمرکز بر امنیت و بالندگی نوع بشر، کاملاً متفاوت از تعریف سنتی امنیت است که به حیات، رشد و پایه‌های امنیت ملی- دولت را تشکیل می‌دهند. از این رو حراست انسان‌ها در برابر بیماری‌ها، جنایات سازمان یافته، تحقیر، خشونت‌های فیزیکی و مواردی از این دست می‌تواند پایه‌های قوام

دولت را استوار نماید. بر این اساس، امنیت انسانی به تهدیدات شایع و مهمی نظر دارد که: اولاً بخش زیادی از انسان‌ها را شامل می‌شود؛ ثانیاً زندگی آن‌ها را تا حد عمیقی زیر طوفان و سیل و ادواری رخ می‌نماید. اشکال بروز این قبیل تهدیدات نیز بر آب شرب بعضی مناطق یا سیاست‌گذاری‌های صنعتی منتهی به تخریب محیط زیست که به صورت غیر مستقیم ولی مؤثر حیات و کیفیت زندگی انسان‌ها را در معرض مخاطره قرار می‌دهند.» (کلمنتس، ۱۳۸۴: ۸۱۸). در واقع مرجع امنیت انسانی و امنیت اجتماعی افراد و گروه‌های اجتماعی هستند. با این وجود اشتراکات، تفاوت آن دو مفهوم در این است که اولاً در مفهوم امنیت انسانی بر مرجعیت فرد تأکید می‌شود و عنصر اساسی مورد نظر در این مفهوم، فرد است نه گروه و حتی جامعه. از این رو جواب این دو مفهوم در مقابل سوال «بنیادی امنیت برای چه کسی؟» متفاوت است. در امنیت انسانی اهمیت فرد اهمیت و موضوعیت دارد اما در امنیت جامعه‌ای در کنار سطح فردی امنیت به سطح گروهی آن توجه ویژه‌ای می‌شود و مرجع امنیت نه فقط فرد تنها، بلکه فرد در قالب گروه است. ثانیاً در پی تفاوت مرجع امنیت، دو مفهوم مذکور به سؤال کلیدی دیگر، یعنی «امنیت با کدام ابزار؟» پاسخ‌های متفاوتی می‌دهند. تقریباً تمام ابزارهای مقابله با تهدیدات معطوف به امنیت انسانی، دولتی و در اختیار دولت می‌باشند؛ در حالی که بخش مهمی از ابزارهای توسعه امنیت جامعه‌ای در اختیار جامعه است تا دولت. به عبارت دیگر، دولت و نهادهای رسمی در طرح و تدارک امنیت انسانی سهم بیشتری دارند تا در طرح و تدارک امنیت جامعه‌ای. در کنار این دو تفاوت، وجوه اشتراک دو مفهوم امنیت انسانی و امنیت جامعه‌ای قابل توجه است: «اولاً در امنیت انسانی و هم امنیت اجتماعی، فرد یا مجموعه‌ای از افراد در معرض مخاطره و تهدیداتی می‌باشند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم حیات، رفاه و اطمینان خاطر خود را از دست می‌دهند. ثانیاً در هر دو نوع امنیت، می‌توان ردپای دولت را مشاهده کرد بسیاری از تهدیدات معطوف به افرادی جامعه به قدری شدید و فوری هستند که ناگزیر باید از امکانات دولتی کمک گرفت ضمن اینکه دولت‌ها معمولاً از تجربه و لوازم مناسبی برای بسیج منابع برخوردارند. دولت به عنوان یگانه مرجع اعمال زور و واضع و شارح قانون از امکانات و اهلیت بیشتری برای تدارک امنیت انسانی و جامعه‌ای برخوردار است، هر چند در بعضی مواقع سیاست‌های دولتی بروز نامنی اجتماعی - انسانی هم منتهی می‌شود. سومین وجه مشترک امنیت انسانی و جامعه‌ای این است که هر دو از پایه‌های امنیت ملی باشند.» (شریتیان، ۱۳۹۲).

### ۳- موقعیت و ویژگی‌های انسانی منطقه عسلویه

عسلویه، شهری به لحاظ نفتی، صنعتی از مهم‌ترین پایگاه‌های اقتصادی ایران و همچنین

یکی از بزرگ‌ترین مناطق تولید انرژی جهان در جنوبی‌ترین نقطه ایران است که دو دهه همت و تلاش بعد از جنگ تحمیلی، این دهکده دور افتاده را به نام‌آورترین شهر تولید گاز تبدیل کرده است. این منطقه در شرق استان بوشهر در حاشیه خلیج فارس در ۳۰۰ کیلومتری شرق بندر بوشهر و در ۴۲۰ کیلومتری غرب شهرستان بندرلنگه و در ۵۷۰ کیلومتری غرب بندر عباس واقع است و حدود ۱۰۵ کیلومتر با حوزه گاز پارس جنوبی که در میان خلیج فارس واقع شده (دنباله حوزه گنبد شمالی قطر) فاصله دارد.

شهر عسلویه در مدار ۲۷،۸۲ عرض جغرافیایی شمالی و ۵۲،۳۶ طول جغرافیایی شرقی و در ارتفاع ۵ متری از آب‌های آزاد قرار دارد (کیانی و سردی، ۱۳۹۲: ۵۶). شهر عسلویه به عنوان مرکز شهرستان عسلویه است. این شهرستان در سال ۱۳۹۰ با دارا بودن دو نقطه شهری و ۲۱ روستا، جمعیتی برابر با ۶۵۵۸۴ نفر داشته است. از مجموع جمعیت شهرستان عسلویه تعداد ۱۹۳۸۷ نفر (۲۹،۶ درصد) در دو نقطه شهری عسلویه و نخل تقی، تعداد ۲۱۵۶۹ نفر (۳۳ درصد) در کمپ‌های منطقه اقتصادی- انرژی پارس و تعداد ۲۴۶۲۸ نفر (۳۷،۴ درصد) در مناطق روستایی ساکن هستند. نکته قابل ملاحظه و توجه در بررسی جمعیت این شهرستان، تعداد بالای مردان در مقابل زنان و جمعیت بالای ساکن در کمپ‌ها است. در این سال از مجموع جمعیت، تعداد ۴۵۸۱۰ نفر (۷۰ درصد) را مردان و تعداد ۱۹۷۷۴ نفر (۳۰ درصد) را زنان تشکیل داده‌اند. براساس گزارش مرکز آمار ایران، جمعیت عسلویه در سال ۱۳۷۵ برابر با ۳۰۸۷ نفر و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۷۸۱۸ نفر اعلام شده است (amar.org.ir, 2015). این آمارها حاکی از رشد سریع جمعیت در این شهرستان می‌باشد. البته به همراه افزایش جمعیت، شهر نیز توسعه و گسترش فیزیکی داشته است. در همین راستا، بهبود و توزیع خدمات و کاربری‌های مورد نیاز بر اساس پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان به روشنی دیده می‌شود.

۳-۱- وضعیت امنیت انسانی و اجتماعی عسلویه قبل از احداث تأسیسات صنعتی قبل از ورود صنعت، جمعیتی نزدیک به ۳۰ هزار نفر در کل منطقه و با مرکزیت دو بخش «نخل تقی» و «عسلویه» و در ۲۱ مرکز روستایی زندگی می‌کرده است. متوسط اندازه خانوار در این منطقه ۶ نفر است. جمعیت منطقه به لحاظ میزان سواد و دارا بودن مهارت‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازمندی‌های پروژه‌های صنعتی که در منطقه اجرا شده‌اند، در سطح پایینی قرار داشته است. کشاورزی، دامداری و تجارت از راه دریا و به تبع آن کار کردن روی کشتی‌ها و لنج‌هایی که وسیله حمل و نقل دریایی بوده‌اند قبل از وارد شدن صنایع به منطقه،

اصلی‌ترین راه‌های تأمین معیشت مردم محلی بوده است. گوجه، خرما، برخی مرکبات، صیفی و سبزیجات عمده‌ترین محصولات است که کشت می‌شده‌اند. دامداری نیز به صورت کاملاً روستایی و مبتنی بر چرای دام‌ها در مراتع منطقه انجام می‌شده است. سفر به کشورهای خلیج و تجارت کالاهاى مختلف نیز راهی برای کسب معیشت بوده است. علاوه بر آن قبل از ورود صنعت نرخ آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، سرقت و فحشا پایین بوده، ناامنی اجتماعی در حداقل ممکن قرار داشته، سطح مناسبی از ارتباط اجتماعی میان مردم برقرار بوده، سطح نیازمندی‌های اقتصادی مردم محلی به خارج از منطقه (به استثنای نیاز به کشورهای حاشیه خلیج) اندک بوده، و تورم قیمت کالاهای اصلی مورد نیاز مردم در سطح قابل قبولی بوده است.

منطقه پارس جنوبی پیش از حضور صنایع گاز به صورت طبیعی جریان داشته و از همین‌رو آلودگی زیست محیطی در هوا و دریا وجود نداشته است. به دلیل دور افتاده بودن منطقه، فقدان اهمیت استراتژیک اقتصادی و بافت روستایی آن، بخش عسلویه و نخل تقی و روستاهای اطراف از حداقل امکانات شهری بهره داشته‌اند. آب آشامیدنی منطقه از چشمه‌های اطراف و آب‌های جاری از کوهستان که در آب انبارها ذخیره می‌شده، تأمین می‌شده است.

تردد اندک در جاده‌های مواصلاتی منطقه تصادفات و میزان بالایی از مرگ و میر و سوانح رانندگی ایجاد نمی‌کرده است. همچنین به دلیل جمعیت اندک و فقدان مهاجرپذیری و شرایط نسبتاً نامساعد آب و هوایی منطقه قیمت زمین و مسکن را در سطح پایینی حفظ می‌کرده است. فقدان امکانات لازم برای گذران اوقات فراغت در شرایطی که جمعیت منطقه در حد متعادل بوده، تعداد زیادی مهاجر به منطقه وارد نشده و انبوهی از آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد در منطقه جایی نداشته‌اند، دشواری‌های زیادی ایجاد نمی‌کرده است. در ضمن به دلیل وجود نظام شغلی سنتی مبتنی بر کشاورزی، دامداری، صیادی و تجارت دریایی، بخش عمده‌ای از نیروی انسانی در این مشاغل جذب شده و زمان در دسترس به عنوان اوقات فراغت و میزان آسیب‌زایی ناشی از فقدان امکانات گذراندن اوقات فراغت اندک بوده است. همچنین به دلیل برهم نخوردن شیوه سنتی زندگی، بالا بودن سطح ارتباطات اجتماعی مردم و وجود امنیت اجتماعی، حضور جوانان و بالانحص زنان در معابر عمومی و برقراری ارتباط از این طریق برای گذراندن اوقات فراغت امکان‌پذیر بوده است (طالبیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۳-۶۵).

۳-۲- وضعیت امنیت انسانی و اجتماعی عسلویه بعد از احداث تأسیسات صنعتی توسعه صنعتی و ایجاد مراکز فراوری گاز و انواع محصولات پتروشیمی از سال ۱۳۷۴ و پس از کشف ذخایر عظیم گازی در منطقه پارس جنوبی آغاز و فازهای متعددی برای پیشبرد این پروژه و رسیدن به سطوح بالاتری از بهره‌برداری از منابع گاز تعریف شده است. منابع گازی این منطقه ۸ درصد منابع گازی جهان و ۴۸ درصد منابع گاز ایران را شامل می‌شود. سرمایه‌گذاری عظیم در محیط اجتماعی کاملاً روستایی که قبل از این توصیف کردیم، مسائل زیادی که حاصل تعارض بین محیط اجتماعی توسعه نیافته و مظاهر صنعتی به وجود آورده است.

ورود فعالیت‌های صنعتی به منطقه و بی‌توجهی به زیرساخت‌های مورد نیاز چنین صنعتی باعث شده است تا به تدریج مشکلات و ناامنی‌های انسانی و اجتماعی جدیدی در منطقه ایجاد شوند. یکی از مشکلات این منطقه وضعیت محیط زیست و آلودگی شدید هوا می‌باشد. از دیگر مشکلات این شهرستان، وضعیت نامناسب جاده‌ها و افزایش یکباره‌ی ترافیک و آمار تصادفات در منطقه است. وضعیت نامناسب آب آشامیدنی از دیگر مسائل و مشکلات واضح و روشن مردم است. این منطقه از داشتن آب سالم و آشامیدنی محروم است. در گذشته چشمه آب شیرینی به نام «شیرینو» در عسلویه وجود داشت که چندسالی است آب شیرینو نیز به سوی شوری رفته است. از مسائل قابل توجه دیگر در منطقه، کمبود گاز برای مصارف خانگی است.

شهرستان عسلویه قبل از ورود صنعت در سطح بالایی از سلامت اخلاقی و اجتماعی بوده است. این در حالی است که پس از ورود صنعت، آنچه به وفور یافت می‌شود، مواد مخدر و مشروبات الکلی است. که عمدتاً با هدف مصرف کارگران و کارکنان وارد می‌شود، اما اهالی را نیز آلوده کرده است. دیگر آسیب‌های اجتماعی مانند اخاذی و سرقت، قتل و فحشا نیز به منطقه وارد شده است.

از دیگر پیامدهای اولیه ورود صنعت به بافت‌های اجتماعی سنتی، تضعیف این بافت‌ها و هنجارها و قواعد اجتماعی حاکم بر آنهاست و اگر نتواند هنجارهای اجتماعی جدیدی را جایگزین هنجارهای قبلی سازد آن جامعه دچار آنومی و بی‌هنجاری خواهد شد و پس از گشایش اقتصادی که در منطقه رخ می‌دهد به تدریج بنیان‌های اجتماعی و اخلاقی سنتی تضعیف می‌شوند. در واقع به تدریج که حضور گروه‌های اجتماعی مختلف با قواعد اجتماعی مختلف در سطح منطقه بیشتر می‌شود و ارتباطات بین گروهی افزایش می‌یابد، هنجارهای درون گروه به تدریج تضعیف می‌شوند.

#### ۴- پیامدهای وضعیت امنیت انسانی و اجتماعی عسلویه بعد از احداث تأسیسات صنعتی

##### ۴-۱- آثار زیست محیطی

آلودگی هوا از مهم‌ترین مشکلات مردم منطقه بوده به طوری که بسیاری از شهروندان عسلویه از هوای آلوده این شهر و بیماری‌های ریوی ناشی از استنشاق گازهای سمی ابراز نگرانی و ناراحتی می‌کنند. در منطقه پارس جنوبی، چندین فاز عملیات استخراج نفت و گاز مشغول به فعالیت‌اند که هر فاز دارای حدود ۴ شعله روشن و تعدادی آگروزهای خاموش است و این شرایط موجب شده آلودگی هوای منطقه عسلویه به مراتب بیشتر از تهران باشد. در گذشته پیش از راه اندازی پروژه‌های نفتی و گازی در منطقه، مردم از طریق دریا، تجارت و دامداری اشتغال می‌پرداختند، ولی هم‌اکنون اکثر زمین‌های کشاورزی برای احداث پروژه‌ها نمک پوش شده و امکان کشاورزی از دست رفته و همچنین دامداری منطقه به طور کامل نابوده شده است. همچنین کوبیده شدن زمین با نمک موجب شده است که در زمان بارندگی نیز آب شور در سفره‌های زیرزمینی نفوذ کند و در نتیجه ضمن فقیر شدن، سفره‌های زیرزمینی نیز شور شوند و در نتیجه کشاورزی بسیار ضعیف شود. صیادی نیز به دلیل استقرار کشتی‌های غول‌پیکر که با تورهای عظیم اقدام به ماهیگیری می‌کنند برای ساکنان بومی تقریباً از بین رفته است. همچنین تبخیر پساب‌های صنعتی یکی از دلایل آلودگی هوا و آب دریا در منطقه است. بر این اساس ساکنان منطقه اغلب راه‌های رزق و روزی خود را از دست داده‌اند.

##### ۴-۲- آثار اجتماعی

فقدان نیروهای متخصص کافی در بین ساکنان بومی، شرکت‌های فعال در منطقه جذب وسیع آنها با مشکل مواجه کرده و از این رو با در نظر گرفتن مسائلی که فعالیت این شرکت‌ها در ساختار سنتی زندگی ساکنان به وجود آورده، جذب نشدن آنها از یک طرف و از دست دادن الگوهای متعارف حیات اقتصادی از سوی دیگر می‌تواند فاجعه‌ای اساسی از نقطه نظر آسیب‌شناسی اجتماعی برای ساکنان باشد. همچنین اکثر زمین‌های کشاورزی عسلویه توسط شرکت منطقه ویژه اقتصادی تصرف شده و این یکی از دلایل رکود کشاورزی ناحیه است. وابستگی مردم عسلویه به شیلات امری است که باید در برنامه‌ریزی‌های مدیران برای کاهش مشکلات منطقه همواره در مرکز توجهات قرار گیرد. اعتیاد نیز مهم‌ترین معضل و چالش اساسی منطقه است. پیش از سال ۷۵ که کلنگ احداث پروژه پارس جنوبی به زمین زده شد، در مجموع ۲۴ هزار نفر در این منطقه ساکن بودند که روستای نخل تقی و سپس عسلویه بیشترین جمعیت را داشتند. درآمد ساکنان منطقه از طریق دامداری و کشاورزی و کارهای تجاری و

بعضا غیرقانونی انجام می‌شد و عسلویه منطقه‌ای از مرکز استان بوشهر و بندرعباس بود. هم‌اکنون منطقه عسلویه دارای بالغ بر ۶۰ هزار نفر جمعیت شاغل و ۳۰ هزار جمعیت بومی است. کارگران از نقاط مختلف کشور و حتی سایر کشورها برای اشتغال در پروژه‌های کشور و حتی سایر کشورها برای اشتغال در پروژه‌های نفتی و گازی به این منطقه می‌آیند؛ بر این اساس توجه به مسایل اجتماعی در این منطقه بسیار اهمیت دارد. در گذشته، فضای حاکم بر منطقه به گونه‌ای بود که در بزرگ‌ترین روستای منطقه یعنی نخل تقی، خرید و فروش سیگار ممنوع بود و این ممنوعیت توسط دولت ایجاد نشده بود، بلکه فرهنگ دینی حاکم بر این منطقه ممنوعیت را القا کرده بود، ولی هم‌اکنون در منطقه سالانه تعدادی از کارگران جان خود را بر اثر مصرف مواد مخدر دارای ناخالصی از دست می‌دهند و جسد آنها در کنار تلمبه‌خانه‌ها پیدا می‌شود. ورود جمعیت کارگر مهاجر به منطقه ترکیب جمعیتی را به هم زده است و موجب شده است مواد مخدر به راحتی خرید و فروش شود و مهم‌ترین چالش از لحاظ امنیت اجتماعی منطقه هم‌اکنون مساله اعتیاد است. گروه‌هایی از زنان در قالب تکدی‌گری از کشورهای اطراف از جمله پاکستان و یا شهرهای سیستان و بلوچستان به منطقه می‌آیند، ولی در اصل این افراد به توزیع مواد مخدر و ناهنجاری‌های دیگر اجتماعی و غیراخلاقی اقدام می‌کنند (قنبری و همکاران، ۱۳۸۸).

در مجموع می‌توان گفت که وضعیت شهرستان عسلویه پس از تأسیسات صنعتی با مسائل امنیت انسانی و اجتماعی زیادی رو به رو بوده است. دغدغه امنیت، شلوغی، آلودگی هوا، ترافیک بالا، تردد ماشین‌های سنگین، دود و بوی گاز، آلودگی ساحل، تصادفات فراوان، انحرافات و مسائل اجتماعی از قبیل شیوع مواد مخدر و اعتیاد، سرقت، ورود غیرقانونی بعضی از مهاجران به خانه‌های بومیان، رایج شدن مشروبات الکلی، برپا شدن خانه‌های فساد، مزاحمت‌های ناموسی برای دختران، ساخت و سازهای غیر قانونی، درگیری بر سر زمین، فرار دختران بومی با کارگران مهاجر، و اشاعه فرصت‌های نامشروع مانند افزایش بی‌رویه اجاره‌داری، فروش غیر قانونی زمین و رانت خواری از جمله مواردی است که امروزه شهروندان بومی عسلویه با آن روبه‌رو هستند.

#### **۵- پیشنهادات و راهکارهای بهبود وضعیت امنیت انسانی و اجتماعی شهرستان عسلویه**

جمهوری اسلامی ایران در حال ساخت ۲۸ فاز پالایشگاه گاز و صنایع جانبی گسترده در منطقه‌ای وسیع از استان مرزی بوشهر در فاصله‌ای دور از مرکز استان و در جوار مرزهای آبی خلیج فارس است. استقرار این صنایع عظیم به طور طبیعی موقعیت صنعتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خاصی را برای منطقه عسلویه بر جای خواهد گذاشت؛ در کنار صنایع عظیم نفت و گاز به طور معمول تمرکز جمعیتی بزرگی پدید

خواهد آمد که نیازمند مدیریت به ویژه از نظر ترکیب فرهنگی اجتماعی است. امروزه به رغم تأسیس صنایع و ایجاد امکانات فراوان صنعتی و زیرساخت‌های مختلف، در کنار صنایع نفت و گاز عسلویه، فقر عمومی در چند روستای منطقه و اهالی بومی دیده می‌شود. این مسئله به گونه‌ای است که در نگاه اول ناعدالتی اجتماعی و تبعیض را تداعی می‌کند. عامل اصلی پایداری این دوگانگی مشهود، مقاومت فرهنگی اهالی محل و عدم برنامه‌ریزی و سیاستگذاری جامع در منطقه است؛ لذا لازم است با اعمال روش‌های تشویقی و جذب بومیان در صنایع ایجاد شده، ساخت روستایی موجود را که چهره‌ای ناسازگار با رشد و توسعه اقتصادی منطقه است تغییر داد و خانوارهای بومی را در شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی ویژه کارکنان با ایجاد تسهیلات خاص و سیاست‌های تشویقی جای داد. این رویکرد در تنوع بخشی به جمعیت جدید و رشد سازگاری و فرهنگ‌پذیری به ویژه مشارکت‌پذیری ساکنان محلی کمک خواهد کرد. در این میان، از جمله راهکارهایی که برای بهبود وضعیت امنیت انسانی و امنیت اجتماعی شهرستان عسلویه می‌توان ذکر کرد عبارتند از:

۱) احداث پارک‌های ملی دریایی و جنگلی و سایر تفریح‌گاه‌های طبیعی به جهت موقعیت زیست محیطی استثنایی عسلویه به منظور حفظ محیط زیست، جذب توریسم و در نهایت توسعه بیشتر اقتصادی این منطقه؛

۲) ایجاد قطب گردشگری داخلی و جهانی در کنار صنایع عظیم نفت و گاز به منظور آشنایی با پیشرفت و توسعه کشور جمهوری اسلامی ایران و بهره‌برداری از جاذبه‌های گردشگری جزایر و سواحل خلیج فارس و دیگر جاذبه‌های صنعتی، طبیعی و فرهنگی، از ضروریات طراحی نقشه جامع توسعه عسلویه به شمار می‌آید؛

۳) اجرای اقداماتی جدی‌تر از درخت‌کاری در جهت بررسی وضعیت آب، خاک، هوا و سایر موجودات زنده به منظور حفظ محیط زیست‌گاه‌ها و تداوم زندگی آن‌ها از جمله مکان‌های تخم‌ریزی ماهیان، آبسنگ‌های مرجانی و تالاب بین‌المللی؛

۴) تدوین طرح جامعی برای ساختن شهری جدید با شهرک‌های چندمنظوره متناسب با ابعاد همه‌جانبه منطقه؛

۵) دور کردن واحدهای متعدد صنعتی و خدماتی (فرودگاه‌ها و هتل‌ها و...) پر سر و صدا از جنگل‌ها و محیط زیست حیوانات به منظور کاهش آلودگی صوتی و جلوگیری از کوچ پرندگان و سایر حیوانات؛

۶) توجه بیشتر به وزارت‌خانه‌هایی همچون کار و امور اجتماعی یا وزارت علوم در تأمین نهادهای آموزشی با توجه به نیاز صنعت با هدف اشتغال‌زایی و کاهش جرم و فساد در منطقه؛

۷) ایجاد انگیزه‌های مالی (معافیت مالیاتی، وام‌هایی با بهره‌های پایین، کاهش تعرفه



گمرک و...) به منظور جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و خارجی در پروژه‌های پارس جنوبی با هدف توسعه بیشتر و راه اندازی هر چه سریع‌تر پروژه‌ها و سودآوری اقتصادی طرح‌ها؛

۸) ایجاد انگیزه نیروی کار از جمله ایجاد امکانات مناسب برای زندگی و احداث تفریح‌گاه‌های متنوع برای سهل‌تر شدن شرایط سخت کار در این منطقه با آب و هوای گرم و مرطوب و در جهت بالا رفتن بهره‌وری نیروی کار، کاهش هزینه‌های جا به جایی نیروی کار؛

۹) تا آن‌جا که ممکن است سعی شود نیروی‌های کارگری از شهرهای نزدیک به منطقه استخدام و انتخاب گردند تا کارگران بتوانند رابطه خود را به طور مستمر با خانواده و هنجارهای محلی خود حفظ کنند و از کنترل و نظارت خانواده‌ها بهره‌جویند؛

۱۰) مبارزه با فقر، محرومیت، توزیع عادلانه درآمد و امکانات، توزیع کردن بخشی از درآمد حاصل از فروش گاز در منطقه به منظور بازسازی منطقه، تاسیس اماکن رفاهی و تفریحی، درمانی، آموزشی و ... مورد برنامه ریزی قرار گیرند؛

۱۱) بازسازی و تجهیز جاده‌های خراب و غیراستاندارد ارتباطی که شاه‌رگ اقتصادی یک استان صنعتی، نفت خیز و استراتژیک کشور محسوب می‌شود؛

۱۲) در نظر گرفتن اعتبارات لازم برای حل مشکل آب شهرستان عسلویه؛

۱۳) احداث و گسترش امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی جهت بالا بردن رفاه حال بومیان منطقه به منظور کاهش نفرت عمومی از طرح‌های توسعه‌ای و جلوگیری از وقوع حوادث ناگوار و غیرقابل پیش‌بینی از سوی اهالی عسلویه؛

۱۴) اجرای روش‌ها و راهکارهایی برای جلوگیری از سوختن گاز در مشعل‌های گازی و خاموش شدن دائمی این مشعل‌ها؛

۱۵) تمرکز و اعمال نظارت بیشتر بر روی بخش‌هایی که خطر جرمی آنها بالاتر است و به اصطلاح «کانون ناآرامی» تلقی می‌شوند. به کارگیری دوربین‌های مراقبتی و گشت مستمر پلیس در این رابطه می‌تواند مؤثر واقع شود؛

۱۶) توجه بیشتر به حقوق زنان مشغول به کار در پروژه‌های پالایشگاهی و طرح‌های پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، به منظور کاهش نابرابری‌های جنسیتی؛

۱۷) آگاه‌سازی افکار عمومی در مورد نفت و کلیه جوانب آن در جهت خروج جامعه از رخوت و نخوت ناشی از مصرف دلارهای نفتی و تبدیل آن به جامعه‌ای که در آن نفت به عنوان ارتزاق کننده خزانه نیست بلکه سوختی است برای به حرکت درآوردن صنایع گوناگون کشور از کشتی سازی گرفته تا خودرو سازی و صنایع سبک.

### نتیجه‌گیری

در میان انواع شهرها، شهرهای استخراجی دارای ویژگی‌های خاصی از جمله، تمرکز بالای فعالیت‌های صنعتی و معدنی مرتبط با اکتشاف، استخراج، پالایش، فرآوری و صدور منابع زیرزمینی، خطر کاهش و اتمام منابع غیرقابل تجدید، آلودگی‌های بالای زیست‌محیطی، تولید بالای پسماندهای صنعتی و خانگی، وجود فرصت‌های بی‌نظیر اقتصادی و ایجاد اشتغال گسترده، مهاجرپذیری بالا، تغییر در شیوه‌های اشتغال و معیشت سنتی و متداول محلی، تغییرات گسترده کاربری‌های زمین، گسترش کالبدی شهر و مسائل اجتماعی ناشی از مهاجرت‌های شغلی، دوگانگی فرهنگی و شیوع و گسترش انواع آسیب‌های اجتماعی و... است که می‌تواند مسئله ناپایداری را در ابعاد امنیت انسانی و اجتماعی در محیط این نوع شهرها به وجود آورده یا تشدید نماید. این نوع ویژگی‌ها، شهرهای استخراجی را از دیگر انواع شهرها - علی‌رغم کوچک اندام بودن، کم جمعیت بودن یا سابقه کوتاه شکل‌گیری شهر - کاملاً متمایز و متفاوت می‌سازد.

در این میان توسعه میدان پارس جنوبی که نقش ویژه‌ای در توسعه و رشد اقتصادی کشور می‌تواند داشته باشد، آثار منفی اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و... فراوانی به همراه داشته است. زیرا به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی و ساماندهی متغیرهای اقتصادی و صنعتی در منطقه بدون توجه به متغیرهای فرهنگی و اجتماعی بوده است و برای توسعه پایدار ضروری می‌نماید تا کلیه متغیرهای موجود به موازات یکدیگر توسعه یابند. در همین راستا، توجه به ایجاد چرخه کاملی از صنایع چند منظوره شامل بخش‌های تجاری، بندری، مالی، گردشگری، دفاعی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کنار صنعت نفت و گاز، منطقه عسلویه را از توسعه تک‌محوری باز خواهد داشت و در کنار زیرساخت‌های انجام شده همچون گسترش شبکه برق و صنعت توریست، جاده‌های مناسب، فرودگاه، شبکه‌های آب‌رسانی، و... چرخه‌ای از امکانات و ظرفیت‌های جدید را ایجاد و منطقه عسلویه را به ترکیبی از صنایع و فرصت‌های جدید در مقابل مناطق چند منظوره جنوب خلیج فارس تبدیل خواهد کرد. این پدیده می‌تواند سرمایه‌های فراری به ویژه سرمایه‌گذاران ایرانی را که در حواشی جنوبی خلیج فارس سرمایه‌گذاری کرده‌اند به کشور بازگرداند.

### منابع

۱. پائولین، کر (۱۳۸۷)، «امنیت انسانی»، ترجمه‌ی سید جلال دهقانی فیروزآبادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره سوم.
۲. ترابی، یوسف؛ و ایت گودرزی (۱۳۸۳)، «ارزش‌ها و امنیت اجتماعی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، شماره دوم، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.

۳. رفیعی، فرشاد و همکاران(۱۳۸۷)، «نقش سازمانهای مردم نهاد در گسترش امنیت انسانی»، مجموعه مقاله‌های همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
۴. شربتیان، محمد حسن(۱۳۹۲)، «تاملی نظری بر جامعه شناسی امنیت اجتماعی»، وبگاه انسان شناسی و فرهنگ.
۵. صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۵)، «ارائه یک الگوی مفهومی برای مسائل و انحرافات اجتماعی و راه حل های کاهش آن در عسلویه»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره هفتم، شماره دوم.
۶. طالبیان، سید امیر؛ محمد فاضلی و عقیل دغاقله، (۱۳۸۷)، «تحلیل تاثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۳.
۷. قصری، محمد؛ دوستدار رضا (۱۳۸۷)، «نگرشی مفهومی و کارکردی امنیت انسانی در چشم انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقاله‌های همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
۸. قنبری، علی و همکاران(۱۳۸۸)، «عسلویه و نقش اقتصادی و اجتماعی آن بر خلیج فارس» ماهنامه اطلاعات علمی، شماره ۳۶۴.
۹. کلمنتس، کوین(۱۳۸۴)، «به سوی جامعه شناسی امنیت»، ترجمه محمد علی قاسمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره دوم.
۱۰. کیانی، اکبر و فرضعلی سالاری سردی(۱۳۹۲)، «ارزیابی قابلیت دسترسی و کاربرد بهینه فضاهای عمومی در شهر ساحلی عسلویه»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۵، شماره ۲.
۱۱. مختاری، رضا و همکاران(۱۳۹۳)، «سنجش و ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی- فرهنگی در شهرهای استخراجی (مطالعه موردی: شهر استخراجی عسلویه)»، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال پنجم، شماره نوزدهم.
۱۲. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳/۱۲/۲۵، قابل دسترسی در:  
<http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=1603&LiveTabId=30356>
۱۳. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول.